



## دیدار علما، وعاظ و ائمه جماعت در آستانه فرارسیدن ماه محرم الحرام - 11 / مرداد / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

اولا، بر خود لازم می‌دانم مصیبت بزرگ فقدان امام مروجان قرآن و پیشوای مدافعان اسلام را که حقیقتا ضایعه و ثلمه‌یی غیرقابل جبران است، به جمع معظم علمای دین و شاگردان مروج مکتب قرآن، تسلیت عرض کنم؛ زیرا بعد از رحلت امام عزیزمان، برای من فرصتی پیش نیامده است که به علمای اعلام و مبلغان و سنگرداران مرزهای عقیده و معارف اسلامی - که صاحب‌عزاهای واقعی هستند - تسلیت عرض کنم. ثانیاً، لازم است از همه‌ی شما آقایان محترم و علما و متشخصان روحانی و مبلغان و ائمه‌ی جماعت، که این اجتماع را تشکیل دادید و این فرصت را به من دادید که درباره‌ی مسایل مربوط به مجموعه‌ی روحانیت، مطالبی را مطرح کنم، تشکر می‌کنم. در آستانه‌ی ماه محرم، آنچه که به نظر می‌رسد طرح آن مفید باشد، دو مطلب است: یکی، آنچه مربوط به مسایل محرم و عزاداری سالار شهیدان و مطالبی که در این محدوده است و دوم، مسایل عام مربوط به حوزه‌ی روحانیت و وظایف ویژه‌ی ما معلمان و علمای دین و روحانیون در این برهه و شرایط خاص زمان می‌باشد. اینها مطالبی است که برای آقایان روشن و واضح است؛ لیکن در تکرار و توضحات هم فوایدی وجود دارد.

در مورد مسأله‌ی محرم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهتگیری کلی و پشتوانه‌ی پیروزی آن، همین توجه به حضرت ابی‌عبدالله (علیه الصلاة والسلام) و مسایل مربوط به عاشورا بود. شاید برای بعضیها، این مسأله قدری ثقیل به نظر برسد؛ لیکن واقعیت همین است. هیچ فکری - حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد - نمی‌توانست توده‌های عظیم میلیونی مردم را آن‌چنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می‌کردند، در انواع فداکاری ذره‌یی تردید نداشته باشند.

اساساً مادامی‌که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحریک - آن هم در حد بالا - به ایمان کارایی می‌بخشد. بدون محبت نمی‌شد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت - یعنی محبت به اهل بیت - در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسأله‌ی کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گرانبهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است.

در آن روزهایی که مسایل اسلامی، با دیدهای نو مطرح می‌شد و جاذبه‌های خوبی هم داشت و برای کسانی که با دین و اسلام سر و کار زیادی نداشتند، موضوع مبارکی هم بود و گرایشهای نو در تفکر اسلامی، چیز بدی نبود - بلکه برای عالم اسلام و بخصوص قشر جوان ذخیره محسوب می‌شد - یک گرایش شبه روشنفکرانه به وجود آمده بود که ما بیاییم مسایل ایمانی و اعتقادی اسلام را از مسایل عاطفی و احساسی - از جمله مسایل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانیها و گریه - جدا کنیم!!

شاید بسیاری در آن روزها بودند که با توجه به این که در ماجرای ذکر عاشورا و روایت فداکاری اباعبدالله (علیه الصلاة والسلام) چیزهایی وارد شده بود و احیاناً به شکلهای تحریف‌آمیزی بیان می‌شد، این حرف برایشان مطلوب و شیرین بود و این گرایش رشد می‌کرد؛ لیکن در صحنه‌ی عمل، ما بوضوح دیدیم که تا وقتی این مسأله از طرف امام بزرگوارمان، به صورت رسمی و علنی و در چارچوب قضایای عاشورا مطرح نشد، هیچ کار جدی و واقعی انجام نگرفت.

در دو فصل، امام (ره) مسأله‌ی نهضت را به مسأله‌ی عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت - یعنی روزهای محرم سال 42 - که تریبون بیان مسایل نهضت، حسینیه‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه‌ی روضه‌خوانها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت - یعنی محرم سال 57 - بود که امام (ره)



ره) اعلام فرمودند: "ماه محرم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند". ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجددا همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین (ع) گره خورد. این، در مقام عمل بود. در مقام تبلیغ و واقع و ثبوت هم که مطلب روشن است. حرکت امام حسین (ع) برای اقامه‌ی حق و عدل بود: "انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر...". در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: "و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة". آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند، بیان می‌فرمایند: "ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لاقول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله".

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره‌ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه‌ی راه پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیامبران بوده است که: "یا وارث ادم صفوة الله یا وارث نوح نبی الله...". و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: "لیقوم الناس بالقسط". اقامه‌ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

آنچه که نهضت ما را جهت می‌داد و امروز هم باید بدهد، دقیقا همان چیزی است که حسین بن علی (علیه السلام) در راه آن قیام کرد. ما امروز، برای شهدای خود که در جبهه‌های گوناگون و در راه این نظام و حفظ آن، به شهادت می‌رسند، با معرفت عزاداری می‌کنیم. آن شهید و جوانی که یا در جنگ تحمیلی و یا در برخورد با انواع و اقسام دشمنان و منافقان و کفار به شهادت رسیده، هیچ شبهه‌ی برای مردم ما وجود ندارد که این شهید، شهید راه همین نظام است و برای نگهداشتن و محکم کردن ستونهای همین نظام و انقلاب، به شهادت رسیده است؛ در حالی که وضع شهدای امروز، با شهدای کربلا که در تنهایی و غربت کامل قیام کردند و هیچ‌کس آنها را به پیمودن این راه تشویق نکرد، بلکه همه‌ی مردم و بزرگان وجوه اسلام، آنها را منع می‌کردند، متفاوت است. در عین حال، ایمان و عشقشان آن چنان لبریز بود که رفتند و غریبانه و مظلومانه و تنها به شهادت رسیدند. وضع شهدای کربلا، با شهدایی که تمام دستگاههای تبلیغی و مشوقهای جامعه به آنها می‌گویند بروید و آنها هم می‌روند و به شهادت می‌رسند، فرق دارد. البته این شهید، شهید والامقامی است؛ اما او چیز دیگری است.

ما که امروز این نظام اسلامی را لمس می‌کنیم و برکات آن را از نزدیک می‌بینیم، بیشتر از اسلاف خود، قدر نهضت حسینی (علیه السلام) و معنای آن را درک می‌کنیم و باید بکنیم. آن بزرگوار، برای چنین چیزی حرکت کرد. آن بزرگوار، برای همین قیام کرد که رژیمهای فاسد و مخرب انسان و دین و ویرانگر صلاح، در جامعه نباشند و نظام اسلامی و الهی و انسانی و مبنی بر صلاح، در جامعه استقرار پیدا کند. البته، اگر آن نظام در زمان آن بزرگوار و یا در زمان ائمه‌ی بعدی (علیهم السلام) - که معصومند و به منبع وحی متصلند - تحقق پیدا می‌کرد و آنها در رأس آن نظام قرار می‌گرفتند، طبیعی است که وضعشان با ما متفاوت بود. در عین حال، هیكل و هندسه‌ی قضیه، یکی است و آنها هم برای همین طور نظامی، حرکت می‌کردند. حالا این یک بحث طولانی است که نمی‌خواهم در این جا وارد آن بشوم که آیا ائمه (علیهم السلام) برای ایجاد نظام اسلامی، عزم جدی داشتند یا کار آنها صرفا به عنوان سرمشق بود.

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه (علیهم السلام) به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه (علیهم السلام) جدا می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار - آن طور که تصور می‌شود - با علم و



معرفت امام منافات ندارد. آنها واقعا می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیریها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالا، در این که حرکت آنها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه‌ی آن نهضت، در جامعه‌ی خودمان این نظام را به‌وجود آورده‌ایم. اگر در جامعه‌ی ما، عشق به امام حسین (ع) و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله‌ی زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید. این، عامل فوق‌العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی (علیه‌السلام) قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.

امام (ره) با ظرافت، آن تصور غلط روشنفکرمانه‌ی قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ی از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان، جهتگیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهتگیری عاطفی در قضیه‌ی عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زاید و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه‌ی ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار - چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون - باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده‌ی دلها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود. ایشان، بارها بر این مطلب تأکید می‌کردند و عملا هم خودشان وارد می‌شدند.

ما در آستانه‌ی محرم انقلاب و محرم امام حسین (ع) که یکی از محصولات آن نهضت، نظام جمهوری اسلامی است، قرار داریم. محرم دوران انقلاب، با محرمهای قبل از انقلاب و دوران عمر ما و قبل از ما، متفاوت است. این محرمها، محرمهایی است که در آن، معنا و روح و جهتگیری، واضح و محسوس است. ما نتایج محرم را در زندگی خود می‌بینیم. حکومت و حاکمیت و اعلائی کلمه‌ی اسلام و ایجاد امید به برکت اسلام در دل مستضعفان عالم، آثار محرم است.

ما در دوران خود، محرم را با محصول آن، یکجا داریم. با این محرم، بایستی چگونه رفتار کنیم؟ پاسخ این است که ما معلمان، همه‌ی علمای دین، همه‌ی مبلغان و همه‌ی ذاکران، باید مسأله‌ی عاشورا و مصایب حسین بن علی (علیه‌السلام) را به صورت یک مسأله‌ی جدی و اصلی و به دور از شعار، مورد توجه قرار بدهیم. واقعا اگر بخواهیم این مسأله را جدی بگیریم، راهش چیست؟

اولین شرط این است که ما حادثه را از پیرایه‌های مضر خالی کنیم. چیزهایی وجود دارد که اگرچه پیرایه است، اما نه مضر و نه حتی دروغ است. همه‌ی کسانی که بخواهند با بیان هنری، حادثه‌ی را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی‌گویند. وقتی شما می‌شنوید که در شرایط خاصی، سخنی از زبان کسی خارج شده، می‌توانید احساسات آن گوینده‌ی سخن را هم حدس بزنید. این، یک چیز قهری است. اگر در بیابانی و در مقابل لشکریانی، انسانی حرفی بر زبان جاری می‌کند، بسته به این که آن حرف چه باشد - دعوت و التماس و تهدید و ... - قاعدتا حالتی در روح و ذهن این گوینده وجود دارد که این برای شنونده‌ی عاقل، قابل حدس است و برای گوینده‌ی هنرمند نیز قابل بیان می‌باشد. گفتن اینها، اشکالی ندارد.

ما وقتی بخواهیم حالات امام و اصحابش (علیهم‌السلام) را در روز و شب عاشورا - آن مقداری که در کتب معتبره خواندیم و یافتیم - بیان کنیم، قهرا خصوصیات و ملاساتی دارد. فرض کنید سخنی را که امام (ع) با یارانش در شب عاشورا گفته است، می‌توانید با این خصوصیات بیان کنید: در تاریکی شب و یا در تاریکی غم‌انگیز و حزن‌آور آن شب و از این قبیل. این پیرایه‌ها، نه مضر و نه دروغ است؛ اما بعضی از پیرایه‌ها دروغند و بعضی از نقلها خلاف می‌باشند و حتی آنچه که در بعضی از کتابها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی



نیست. اینها را بایستی شناخت و جدا کرد.

بنابراین، اولین مسأله این است که ما حادثه را خالص کنیم و آن حادثه‌ی خالص شده و دقیق و متقن را، به انواع بیانهای هنری - از شعر و نثر و سبک روضه‌خوانی که خودش یک سبک هنری مخصوصی است - بیامیزیم. این کار، اشکالی ندارد و مهم است. ما باید این کار را بکنیم. کسانی که در این رشته متصلب و واردند، باید این کار را انجام بدهند. اگر ما از حادثه‌ی عاشورا، مثلاً "لیستنقد عبادک من الجهالة و حیره الضلالة" را بیان کردیم - که امروز معنا و مفهوم آن برای ما روشن است - ولی آن معنا و مفهوم را نقض کرد و با آن مخالف و مغایر بود؛ این کار، خدمت به مرام حسینی و حادثه‌ی عاشورا نیست. ما باید حادثه را خالص کنیم و سپس ابعاد مختلف آن را برای مردم تشریح نماییم.

من نمی‌خواهم به آقایان علما و مبلغان و گویندگان و ذاکران محترم و هم‌هی جمع ما که اهل منبر و روضه و بیان مصایب و محامد سیدالشهداء (علیه‌الصلوة والسلام) هستیم، مطلبی را در آن زمینه‌ها مطرح بکنم؛ ولی به طور کلی باید بگویم که این حادثه - به عنوان پشتوانه‌ی نهضت و انقلاب - باید آبرومند و پرنیش و پرقدردت باقی بماند. اگر برخورد امروز ما با این حادثه، مثل روضه‌خوانی باشد که در پنجاه سال قبل برخورد می‌کرد - یعنی چیزی را در جایی می‌دید و مثلاً بر حسب احتمال ذهنی، آن را ترجیح می‌داد و نقل می‌کرد و مؤمنین را می‌گریاند و هم آنها و هم خود او به ثواب می‌رسیدند - ممکن است به حادثه ضرر بزنیم.

امروز این حادثه، پشتوانه‌ی یک نهضت است. اگر امروز به ما بگویند ریشه‌ی این نهضتی که به وجود آورده‌اید، کجاست؟ ما می‌گوییم: ریشه‌اش پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهم‌السلام) است. امام حسین کیست؟ کسی است که این حادثه را به وجود آورده و در تاریخ از او نقل شده است. پس این حادثه، پشتوانه‌ی این نهضت است. اگر ما ندانسته و بی‌توجه و از روی سهل‌انگاری، حادثه را با چیزهایی که جزو آن نیست، مشوب کردیم، به آن حادثه و نیز به انقلابی که ناشی از آن حادثه است، خدمت نکرده‌ایم.

شاید بتوان گفت که امسال در مجالس و محافل ماه محرم، آقایان حتی از سالهای قبل، وظایف بیشتری دارند. ما امسال، مصیبت امام بزرگوارمان را هم که هنوز داغ آن تازه است، داریم. نباید دستگاه تبلیغی اسلامی کشور بگذارد که یاد امام (ره) - حتی اندکی - کهنه بشود؛ که البته کهنه هم نخواهد شد. امام، با شخصیت و عظمت خود و با خصوصیات که در او بود و بعد از معصومین (ع) در هیچ کس جز او ندیده‌ایم و نشنیده‌ایم، پایه‌ی اصلی و ریشه‌ی این شجره‌ی طیبه است. این ریشه، باید همیشه محکم و زنده و تازه بماند. یاد امام را با ابعاد حقیقی شخصیت و بیان افکار و بخشهایی از وصیت‌نامه و محکمت و مسلمات فرمایشها و جهتگیریهای او، زنده کنیم و زنده بداریم.

امسال، با توجه به این که یک دوره‌ی جدید اداری کشور را شروع می‌کنیم، انتظارات زیاد است. از همه سؤال شد که شما از رئیس جمهوری که انتخاب خواهد شد، انتظار دارید که چه کاری برای شما انجام بدهد؟ در کنار این پرسش، باید این سؤال هم می‌شد و باید بشود که به رئیس جمهور و دولت جدید، چه کمکی می‌خواهید بکنید؟ انتظارات بجاست؛ اما وظایف هم در کنار انتظارات است.

این نظام، مردمی است. نظام مردمی، به معنای تأثیر نه فقط اراده، بلکه عمل آحاد مردم در اقامه‌ی این نظام و پیاداشتن آن است. مردم باید کمک کنند. البته، زمام اداره‌ی کشور، دست مسؤول اجرایی است؛ اما اگر کمک و حمایت و همکاری و محبت و صبر مردم و منطقی‌نگریستن به قضایا از سوی آنها وجود نداشته باشد، هیچ دست معجزه‌گری قادر به هیچ کاری نیست. این، نکته‌ی است که باید شما آقایان در این مجالس به مردم بگویید.

سخنی که شما در جلسه، روی منبر به مردم می‌گویید، با حرفی که در رادیو به مردم گفته خواهد شد، فرق می‌کند؛ ولو خود شما آن حرف را بزنید. من بارها این نکته را گفته‌ام که در نشستن و در چشم هم نگاه کردن و نفس و



صدای همدیگر را شنیدن و حضور و گرمای وجود یکدیگر را لمس کردن میان مستمع و گوینده، اثری است که در پیام از راه دور، آن اثر نیست. ما معلمان، این را قدر بدانیم. بارها در جلسات اهل علم و وعاظ، این مطلب را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام این امتیاز که در جلسات مردم، چشم به چشم و روبه‌رویشان، با آنها حرف می‌زنیم و نه فقط امواج صدای ما، بلکه وجودمان را حس می‌کنند، متعلق به ماست. این، چیز خیلی مغتنمی است و تأثیر مضاعفی دارد. باید در این دوره و فصل جدید که به حق، امیدهای زیادی هم نسبت به آن وجود دارد و می‌بایست آن امیدها و انتظارات برآورده شوند، مردم به وظایف اساسیشان تذکر و توجه داده شوند.

نکته‌ی بعدی که باید در این مجالس مورد توجه قرار بگیرد، همین مسأله‌ی وحدت کلمه‌ی آحاد مردم است. تقریباً در این دو ماهه دیدیم که اتحاد مردم و وحدت کلمه‌ی آنها، چه تأثیر معجزآسایی در سیاست جهانی و در فضای بین‌المللی به وجود می‌آورد. ما بعد از ده سال، یک بار دیگر این معجزه را لمس کردیم. وقتی مردم با صدا و نفس و اراده‌ی واحد، اقدامی می‌کنند و حرفی می‌زنند و راهی را می‌روند، نفس دنیا در سینه‌اش حبس می‌شود و خیره می‌ماند و قدرتهای قوی‌پنجه، زبون و کوچک می‌شوند و از کار می‌مانند.

انتظار و توقع و طمع دشمن در دوران بعد از امام، چیز کوچکی نیست. قضیه، خیلی جدی بود. آنها، سالها منتظر این ساعت بودند. ما - بیننا و بین الله - برای این ساعت هیچ برنامه‌ریزی‌یی نکرده بودیم؛ اما تمام دشمنان ما - هر کس به نحوی - برای آن ساعتها و آن روزها، برنامه‌ریزی کرده بودند و خودشان را آماده ساخته بودند. "انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا"; اما خدای متعال به برکت وحدت کلمه‌ی مردم، کید و مکر الهی خودش را نشان داد. البته، خود آن وحدت کلمه هم کار خدا بود: "ولکن الله الف بینهم". کار هیچ کس نبود، فقط کار او بود.

حالا که خدا این نعمت را به ما داده است، باید حفظش کنیم. اولاً، در جلساتی که تشکیل می‌شود، از طرف خود گویندگان، سخن و اشاره و حرکتی که به اختلافی اشاره کند، مطلقاً نباید وجود داشته باشد. هیچ بهانه‌یی مجوز این نمی‌شود که ما در جلسه‌یی، چیزی را که ممکن است بین دو دسته از مردم، اختلافی به وجود آورد، مطرح کنیم. در قضایای سیاسی و دینی و در مسایل مربوط به دولت و روحانیت و مرجعیت و رهبری و دیگر مسایلی که می‌تواند بین مردم، اختلاف و شکاف و دودستگی و بگومگو ایجاد کند، نباید سخنی از گویندگان مذهبی صادر شود که وحدت کلمه‌ی مردم را خدشه‌دار کند؛ بلکه به عکس، گویندگان مذهبی کوشش کنند که فضا، فضای محبت‌آمیز باقی بماند و همکاری بین مسؤولان و مردم و نیز وحدت کلمه، توصیه بشود.

این نکته را هم بایستی در این مجالس و محافل تذکر داد که اگر چه ما امروز بحمدالله از لحاظ سیاسی، در موضع قوتیم و دشمن - یعنی استکبار - در موضع انفعال قرار دارد؛ اما این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست. "ولن ترضی عنک الیهود ولا النصراری حتی تتبع ملتهم". البته بر مبنای: "قل ان هدی الله هو الهدی"، جناح حق به خواست دشمن تسلیم نمی‌شود؛ ولی به هر حال، طبیعت دشمن را باید شناخت. ما نباید هیچ لحظه‌یی از کید دشمن غافل باشیم. این نکته را باید به مردم گفت. ما امروز در قوتیم و دشمن و استکبار جهانی، در انفعال است. استکبار جهانی در طول این چند وقت، همواره نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تهدیدهایی صریح و غیرصریح و مستقیم و غیرمستقیم داشته است. ملتی در مقابل تهدیدهای دشمن، مطلقاً تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد که با خدا ارتباط دارد و خودش را وابسته‌ی به خدا می‌داند. امروز، مصداق آن به صورت سیاسی و جمعی، نظام جمهوری اسلامی و ملت مسلمان ایران است. بنابراین، ما از تهدید دشمن به هیچ وجه دچار رعب نمی‌شویم و از هیچ دشمنی نمی‌ترسیم و از هیچ قدرتی در دنیا هراس نداریم.

دشمنان ما، عملاً نشان دادند که قادر نیستند به صورت جدی و قاطع به ما ضربه بزنند؛ به خاطر این که در این ده سال، هر کاری که می‌توانستند، کردند و ما امروز بحمدالله از همیشه قویتر و پابرجاتر و در بین خود، امیدوارتریم. امروز، آینده برای ما از همیشه روشنتر است. ما از دشمن نمی‌ترسیم و دشمن هم قادر به ضربه زدن به ما نیست؛



اما همهمی اینها مشروط به حفظ هوشیاری و حضور آحاد مردم در صحنه است. این طور نباشد که مردم احساس کنند که حالا دیگر بحمدالله کارها تمام شد و هر کسی سراغ کار خود برود. نه، صحنه را نباید خالی کرد. ملت، نباید حمایت از نظام و مسؤولان و مجریان و مدیران کشور را، یک لحظه فراموش کند. البته، مسؤولان و مدیران هم، در قبال این ملت وظایف زیادی دارند که بیان و ذکرش، جای خود را دارد و مسلم است.

در مورد فصل بعدی هم، فقط یک جمله‌ی کوتاه مطرح کنم: من دو سه سال پیش، به مناسبتی خدمت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) رسیدم تا پیشنهادی را در میان بگذارم. به ایشان عرض کردم که به اعتقاد من، پیروزی این نظام، فقط به آبروی روحانیت زمان ما انجام نگرفت؛ بلکه آن سرمایه‌ی که ما خرج کردیم تا این انقلاب - که واقعا معجزه بود - به پیروزی برسد، عبارت از آبروی ذخیره و نقد روحانیت شیعه، از زمان شیخ کلینی و شیخ طوسی تا زمان ما بود. امام هم در آن روزی که این مطلب را عرض کردم، مطلب را تلقی به قبول کردند، معلوم بود که نظر شریف خود ایشان هم همین می‌باشد و این واقعیتی است.

ما اگر آن ریشه‌ی تاریخی را نداشتیم، مردم آن محبت و اعتماد را به ما نداشتند و به اشاره‌ی روحانیت حرکت نمی‌کردند؛ به طوری که بیایند و جان و فرزندانشان را در راهی قربانی کنند. مگر آسان است؟ آن پشتوانه و ذخیره وجود داشت و حالا هم در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده است. این نظام، نظام اسلامی است و من و شما هم که معمم هستیم، مظاهر اسلامییم.

اگر امروز که دین و روحانیت، قدرت پیدا کرده است، عملی انجام بدهیم که - خدای نکرده - اندک اختلال و خدشه‌ی در آن سرمایه و ذخیره‌ی قرن‌ها به وجود بیاید، ضایعه‌ی خواهد بود که دیگر جبران آن، با یک نسل و دو نسل ممکن نخواهد بود. سرمایه‌ی یک نسل مصرف نشد تا اگر - خدای نکرده - از بین رفت، یک نسل دیگر بیایند و این سرمایه را دوباره تجدید کنند. ایمان مردم به روحانیت، ناشی از سابقه‌ی طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تأثیر آنها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم.

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همهمی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این خطاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همهمی ما روحانیون در سراسر کشور و هر جا که هستیم، می‌باشد.

امروز، انتزاعی که از کار ما خواهد شد و معنایی که هر حرکت و سکون ما خواهد داشت، یک چیز تعیین‌کننده است. اگر در گوشه و کنار، از معلمان کسانی پیدا بشوند که امتیاز عظیمی را که امروز نظام اسلامی به مسلمین و مؤمنین و روحانیون و علما داده است، درک نکنند و خدای نکرده در اظهاراتشان حرفی باشد که مردم را نسبت به این نظام، یا بدبین کند و یا مردد نماید - اگر چه مردم با حرفهای خناسان متزلزل و مردد نمی‌شوند، اما به هر حال در یک دایره‌ی محدودی تأثیر می‌گذارد - این افراد بلاشک عملشان، خیانت به اسلام و قرآن و مسلمین است و باید با برخورد خود جامعه‌ی روحانیت، مواجه بشود. مساجد و حسینیه‌ها و مجالس عزاداری را بایستی خوب اداره کرد.



باید از سوي خود علما و مسؤولان روحاني، نظمي براي اين مراکز به وجود آيد. امیدواریم خدای متعال به برکات سیدالشهداء (صلوات الله و سلامه علیه) ما را هدایت کند، نهضت را پابرجا بدارد، روحانیت را - که قوام دستگاه و نظام به قوام اوست - روزبه روز در این جامعه عزیز کند و به همهی ما روحانیون توفیق دهد که بتوانیم اسلام و دین و معارف اسلامی و قرآنی و حسینی را به بهترین شکل و وجه، برای اذهان عمومی مردم بیان کنیم. مجدداً از همهی آقایان محترم، به خاطر تشکیل این جلسه ی خوب، تشکر می کنم. امیدوارم که محرم آینده، یکی از بهترین محرمها در جهت ترویج مبانی اسلامی و انقلابی برای همهی ما و مؤمنین باشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته